

مدیریت آموزشی حضرت زهرا علیها السلام در خطابه‌ی فدک و اهمیت به کارگیری آن در آموزش به نسل امروز

سمانه پوراسماعیل
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد
مدیریت آموزشی
مدرس مدعو دانشگاه
آرمان رضوی مشهد
samane.pouresmaeil@
yahoo.com

چکیده: هدف مقاله‌ی پیش‌رو، نگاهی تازه به خطابه‌ی فدک از منظر مدیریت آموزشی است، تا با روش تحلیل به اهمیت آن در آموزش به نسل امروز بپردازد. از آنجایی که ما به دلایل گوناگون دچار فاصله‌ای عمیق با حقایق ناب اعتقادی شده‌ایم، نسل امروز از سویی در حقایق تردید دارد و از سوی دیگر، لذت جستجو و کاوشگری در سیستم آموزشی ما به ویژه در رشته‌های مرتبط با علوم انسانی کمرنگ شده، در حالی که می‌توان با پیوند به دو منبع ارزشمند قرآن و حدیث، با حقایق معرفتی درستی مانند خطبه‌ی فدک آشنا شده، راه درست زندگی را پیدا کرد و پیمود. این خطبه، با آموزش عناصری چون شجاعت و جسارت به جا و بیان حقیقت در چارچوب کلام وحی و از زبان معصوم علیها السلام و هم‌چنین یادآوری آن چه در گذشته‌ی نه چندان دور توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم آموخته شده، دفاع از حق و حقیقت را از جای جای کلام فاطمی به ما می‌آموزد و یادآور می‌شود که حتی در عصر تکنولوژی و فناوری می‌توان از حقیقت جوئی و حق‌گویی فاصله نداشت و آن‌را به کار بست، که در هر عصری و با هر میزان پیشرفتی، این دو عامل، لازمه‌ی یک انسان کامل و زمینه‌ساز آموزش درست و در نتیجه‌ی عملکرد مناسب او در زندگی است.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا علیها السلام، خطبه‌ی فدک، مدیریت آموزشی، نسل امروز.

تاریخچه‌ی مقاله
دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵
پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۵

۱. مقدمه

آموزش، از جمله حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان در هر دوره از زندگی است و در صورتی که با شیوه‌ی درست و به جا و در زمان مناسب به انسان انتقال یابد، زمینه‌ی رشد و پیشرفت وی را از جهات مادی و معنوی فراهم می‌سازد و این انتقال درست، مستلزم مدیریت آموزشی صحیح است. این مفهوم در بیشتر کتاب‌های مرتبط با مدیریت و آموزش بر این اساس تعریف شده که منظور از مدیریت، فعالیت و عملی است که در موقعیتی سازمان یافته، برای هماهنگی و هدایت امور در جهت هدف‌های معینی صورت می‌گیرد. این اهداف در حوزه‌ی مدیریت آموزشی، به عنوان تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های آموزشی به شمار می‌روند و از آنجا که فراگرد آموزش و پرورش با انسان سرو کار دارد و انسان موجودی است پیچیده، این نوع از مدیریت دشوارترین و پر مسئولیت‌ترین وظایف آموزشی برای تربیت، تکامل و تعالی یک انسان است (علاقبند، ۱۳۸۸، ص ۱۴). بر اساس این تعریف، تلفیق دو عنصر مدیریت و آموزش در کنار هم، زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ فردی و اجتماعی در نسل‌های مختلف است. مدیریت آموزشی موفق و اثرگذار، مستلزم آموزش و علم و تجربه در کنار هم است تا بتواند آنچه را که باید، بیان کند و فقط مفهومی تزریقی و تلقین شده برای دانش‌آموختگان‌اش نباشد، بلکه با استفاده از روش‌ها و سبک‌های مناسب آموزشی و روان‌شناختی، مانند یادآوری، سخنرانی، مقایسه افراد با گذشته خویش، دعوت

انسان به فطرت و سبک‌های قرآنی همچون بشارت و انذار و تشویق و تنبیه در زمان و مکان مناسب بتواند در وجود افراد نفوذ کرده و در جهت شکل‌گیری یک تربیت صحیح برای انسان گام بردارد. منابع قرآنی و روایی، کم‌تر به عنوان مضامین درسی ما در آموزش و پرورش مورد استفاده قرار می‌گیرند و با اینکه باید در مدرسه و دانشگاه چگونه زیستن را بیاموزیم، اما بیشتر دروسی معدل و میانگین هوش و استعداد ما در طول سال تحصیلی را نشان می‌دهد که اثری در زندگی آینده و به عبارت دیگر سواد دینی، سواد اجتماعی و سواد زندگی ما ندارند. این مقاله، خطابه‌ی فدک را از نگاه مدیریت آموزشی در هفت محور بررسی می‌کند و اهمیت طرح این مباحث برای نسل امروز را مورد پردازش قرار می‌دهد، با این امید که نقطه‌ی آغازی در عرصه‌ی مدیریت آموزشی باشد که نیازمند تغییرات اساسی برای تربیت نسلی، حقیقت‌جو، شجاع و امیدوار به آینده است.

۲. توحید فاطمی

۱.۲. اصل شکرگزاری

سبک مشترک در میان تمام معصومان علیهم السلام در ایراد سخنرانی‌هایشان در طول تاریخ این است که با نام خداوند سخن آغاز می‌کنند و با طرح بحث خداشناسی در ابتدای سخن، توحید فطری را که هدف تمامی حجت‌های الهی در آموزش به بشر بوده است را یادآور می‌شوند. خطابه‌ی فدک نیز با نام خدا و شکر نعمت‌های او آغاز می‌شود، آن هنگام که بانوی دو جهان لب به سخن می‌گشایند و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمَ وَ لَهَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومٍ نَعِيمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ الْإِئْتِذَاهَا وَ تَمَامِ مَنَنِ أَوْلَاهَا جَمَّ عَنِ الْإِخْصَاءِ

عَدُّهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا وَ تَنَى بِالْتَدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا» یعنی: حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمت‌های فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و ممت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمت‌ها را زیاده گردانند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمت‌ها آنها را دو چندان کرد». سبک آموزشی توحید فاطمی در ابتدای سخن، سپاس و شکر در برابر نعمت‌ها است. عاملی که در میان نسل امروز بسیار کم‌رنگ شده و حتی می‌توان گفت که تقریباً از بین رفته و یکی از عوامل مؤثر در بروز افسردگی‌ها و اضطراب‌ها، نادیده گرفتن نعمت‌ها است. اصل شکرگزاری یکی از اساسی‌ترین آموزش‌های قرآن به بشر بوده و در آیات بسیاری بدان تاکید شده (نک: الفاطر، ۳؛ البقره، ۲۳۱؛ آل عمران، ۱۰۳؛ الأعراف، ۶۹؛ النحل، ۱۸) که انسان می‌تواند با یادآوری نعمت‌های الهی، به عنوان یک اصل تربیتی، نوع نگاه به زندگی‌اش را سامان بخشد و با هدف درستی زندگی خود را بگذراند؛ از این رو، حضرت زهراء ع به عنوان عامل‌ترین بانوی روزگار به کتاب وحی، از این حقیقت وام گرفته و به همه‌ی نسل‌ها می‌آموزد که باید در برابر نعمات الهی سپاس‌گزار بود. نکته‌ی نهفته در آموزش حضرت زهراء ع به ما این است که این شکرگزاری و یاد خدا در سخت‌ترین شرایط زندگی توسط ایشان توصیه می‌شود، درست زمانی که بانوی عالمیان به سبب شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله،

غصب ولایت و سکوت غافلانه‌ی مردم، تحت فشار و آسیب بسیار هستند.

یکی از وظایف مدیریت آموزشی، آموزش صحیح سبک زندگی به انسانه است و آنچه در ابتدای این خطابه آمده، الگوی آموزشی کاملی برای نسل امروز است تا در برابر ناملایمات و سختی‌های روزگار، آستانه‌ی تحمل بالا داشته و قادر گردند با توجه به شرایط و موقعیت شخصی خویش، زندگی را در مسیر درست طی کنند. بانوی عالمیان در ابتدای خطبه، در کنار بحث توحید، هدف والاتری را دنبال می‌کنند که سخن از شکرگزاری است و با توجه به اینکه ایشان همواره در طول عمر کوتاه خویش گرفتار بلاها و مصیبت‌های فراوانی بوده‌اند، یاد خدا و آموزش به ویژه شکرگزاری در اوج سختی‌ها و رضایت به مقدرات الهی، درس خوبی، هم برای آن روزگار و هم نسل امروز به شمار می‌رود. نسلی که گاه به واسطه‌ی نداشتن یک یا چند خواسته‌ی کوچک، بسیاری از نعمت‌ها را از یاد می‌برد و همواره با اضطراب به دست نیابردن خواسته‌ها و آرزوها، زندگی را سپری می‌کند. در حالی که این خطبه به ما می‌آموزد، در همه حال باید شاکر نعمت‌های الهی بود و فقط به آنچه نیست، نیاندیشید و با آنچه هست زندگی کرد.

۲.۲. مفهوم توحید

در دومین قسمت از بخش نخست، حضرت زهراء علیها السلام، به معرفی خدای قرآن می‌پردازند و همان‌گونه که قرآن خداوند را بی‌مثل و مانند معرفی می‌کند:

﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الشوری، ۱۱) پروردگار را خارج از مدار

توصیف و وهم و خیال، دور از زمان و مکان و شنوا و دانا به همه چیز می‌داند، «وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَصَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكْرِ مَعْقُولَهَا، الْمُؤْتَمِنُ عَنِ الْأَبْصَارِ زُؤَيْتُهُ، وَ مِنْ الْأَلْسِنِ صِفْتُهُ، وَ مِنْ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ» یعنی: و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه‌ی شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبان‌ها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

وقتی خداوند از دایره‌ی اوهام و خیالات خارج است و توصیف در او راه ندارد، بدین معنا است که هیچ علمی از علوم بشری قادر به معرفی خداوند به انسان نبوده و هرگز نخواهد بود و تمامی آموزش‌ها به جز آنچه از ناحیه‌ی قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، قادر نیستند انسان را به فهم درست از معارف الهیه برسانند. در مدیریت آموزشی امروز کم‌تر دیده می‌شود و یا بهتر است بگوییم اصلاً دیده نمی‌شود که خدانشناسی با این کیفیت به دانش‌آموزان آموخته شود و روش درست آموزشی این نیست که به طور مثال به هدف تحلیلی ساختن اذهان، ابتدا ذهن دانش‌آموز را با نظریات گوناگون پر کرد و آنچه را که قرآن به عنوان کتاب آسمانی و روایات ائمه‌ی معصومان علیهم‌السلام به عنوان معلمان حقیقی آن، به عنوان مسیر درست خدانشناسی مطرح کرده است، را در کنار دیگر نظریات بیان کرد تا به حقیقت رسید. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (الأنعام، ۱۰۳) یعنی: چشم‌ها او را در نمی‌یابند اما او چشم‌ها را در می‌یابد. باید به نسل امروز، حقیقت کلام قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را در

مباحث توحید و خداشناسی آموخت و برایشان روشن ساخت که حواس ظاهری مثل شنیدن، دیدن و لمس و حواس باطنی مانند اوهام و خیال در خداوند راه ندارد و همه‌ی این امور مخلوقِ خالق ما هستند و حضرت زهراء علیها السلام نیز این چنین توحیدی را برای ما در خطابه‌ی خویش معرفی می‌نمایند. در ادامه، بانوی دوسرا به سراغ مبحث آفرینش رفته و گوشه‌ای از حکمت آفرینش را آموزش می‌دهد و خداوند را آفریدگار همه‌ی مخلوقات و حکمت آفرینش را اطاعت از خداوند معرفی می‌کند: «إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا اِخْتِذَاءٍ أَمْثِلَةَ اِمْتَثَلِهَا، كَوْنًا هَا بِقُدْرَتِهِ وَ دَرَأًا هَا بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايْدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا» یعنی: خداوند همه‌ی آفریدگان را پدید آورد ولی هیچ کدامشان را از چیز دیگری نیافرید. او آنها را آفرید بدون اینکه از الگو و نمونه‌ای پیروی کند. خداوند با قدرت خود به آفریدگان اش هستی بخشید و با اراده‌ی خود، آنها را خلق نمود. او هرگز به آفرینش آنها محتاج نبود و شکل دادن آنها، برایش هیچ سودی نداشت. توجه دادن به نعمت‌ها، روش انبیای سلف و یکی از شاکله‌های اساسی، مدیریت آموزشی الهی در قرآن و روایات به شمار می‌رود و این روش سبب می‌شود، حقیقت وجود خداوند در پرتوی توجه انسان به نعمت‌هایش در زندگی قابل پذیرش بوده و به عنوان یک مفهوم تزریقی در ذهن جای نگیرد. به طور مثال هر فردی با مراجعه به خود می‌یابد که نعمت‌هایی چون، بینایی، شنوایی، راه رفتن، تنفس و ...، هر کدام جدای از اهمیتی که دارند، بدون شک از قدرت بی‌منتهایی سرچشمه گرفته‌اند و چون پیوسته همراه انسان هستند، این قابلیت را دارند که ما را متوجه خداوند کنند ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ

يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾ (لقمان، ۲۰) یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخر کرده، و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره‌ی خداوند به جدال و ستیز می‌پردازند. روش فاطمی چون دیگر فرستادگان الهی، تذکر و یادآوری و به عبارت دیگر غفلت‌زدایی و صیقل دادن فطرت است. وقتی انسان به نعمت‌های الهی متوجه شد، نگاه وی نیز به زندگی متفاوت می‌شود و هرگز نیازی نیست که از اثبات برای رسیدن افراد به خداشناسی بهره جست. ایمان به خداوند در فطرت و سرشت انسان نهاده شده، زیرا تنها در این صورت است که وی به ضعف و احتیاج و نیاز خود در برابر یک موجود بی‌نیازی می‌برد و از او کمک می‌گیرد. در این مسیر اهل بیت علیهم‌السلام گاه با بیانات بسیار ساده و قابل‌درک برای سنین مختلف، مثال‌های ارزشمندی بیان کرده‌اند که برای سنین مختلف، ورودی آموزشی مناسبی محسوب می‌شود. پاسخ امام صادق علیه‌السلام به شخصی که بر اثر جدل در خداشناسی به شک افتاده بود، از جمله این احادیث ارزشمند است که امام او را به فطرت فراموش‌شده‌ی خود ارجاع دادند و فرمودند، آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟ شخص پاسخ داد: آری، امام فرمودند: هیچ اتفاق افتاده که کشتی شما غرق شود؟ عرض کرد: آری. حضرت می‌فرمایند: در آن وقت آیا قلبت متوجه جایی شده که تو را از مهلکه نجات دهد؟ می‌گوید: بله. و در انتها حضرت می‌فرماید: این همان خداوند عالمیان است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۱، ح ۱۶). بر اساس آنچه در قرآن و روایات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام آمده است، توجه به آیات انفسی (وجود خود انسان) و آیات آفاقی (طبیعت و آفریده‌های خداوند)،

از سوی دیگر، ما را از فراموشی و غفلتِ این جهانی رهایی می‌بخشد و به اصل فطرت و خداشناسی مان باز می‌گرداند.

آموزش خداشناسی امام صادق علیه السلام به مفضل نیز از کامل‌ترین نمونه‌های آموزشی برای شناخت خدای فطری است که با چهار رویکرد تدبیر در وجود خود انسان، تدبیر در آفرینش حیوانات، آفرینش آسمان‌ها و زمین و پاسخ به سؤالات و اعتراضات خداشناسان در جهان، منبع ارزشمندی در تفهیم آیات آفاقی و انفسی به شمار می‌رود.

۳.۲. اصل اطاعت از خداوند و تشویق و تنبیه

در پایان این بخش حضرت زهراء علیها السلام، به دو اصل تشویق و تنبیه اشاره می‌کنند که از اصول مهم در مدیریت آموزشی به است، چرا که قرآن، هم کتاب بشارت است و هم انداز، هم به ما خوف می‌آموزد و هم رجا و این رسالت یک مدیریت آموزشی موفق است که پیش‌گیری را مقدم بر درمان بداند. اصالت این شیوه به قرآن کریم باز می‌گردد و روش انبیاء الهی نیز در بسیاری از وقایع قرآنی، تبشیر و انداز در موقعیت‌های مقتضی خود بوده است. تشویق و تنبیه، چه از نظر دینی و چه از جنبه‌ی تربیتی، مسئولیت‌پذیری انسان و به بیان دیگر اختیار او است که وی را مسئول کارها و رفتارهایش می‌کند. هر فردی با تکیه بر عقل و فکر خود، می‌داند چه می‌کند و چه باید بکند. نتایج حاصل از کارش به تصمیمات و انتخاب‌های او بر می‌گردد و به طور طبیعی از نتایج مثبت و منفی کارهایش بهره می‌گیرد (میرکمالی، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۱۶). بانوی دو س را نیز بر اساس سبک مدیریتی خویش از سویی مردم را با سخنان‌شان بیدار می‌کند و از دیگر سو به

عذاب و عقاب الهی و نتیجه‌ی کارهایشان هشدار می‌دهند و می‌فرماید که در نهایت آنچه شرط بلاغ است با شما گفته شد و در نهایت خود شما مسئول رفتارها و نتایج آن هستید. تشویق و تنبیه از اصولی است که به منظور اجرای مدیریت صحیح و مؤثر نیز اجرا می‌شود. تشویق، فرآیند پاداش‌دهی به رفتار فرد است، یعنی برانگیختن شوق و علاقه مجدد او به انجام همان رفتار و ساختار روانی و عاطفی انسان به گونه‌ای است که اگر مورد تأیید و تشویق و دریافت پاداش قرار گیرد، معمولاً خشنود می‌شود و انگیزه‌ی فعالیت بیش‌تری پیدا می‌کند و تنبیه، نیز عاملی است برای جلوگیری از کارهای ناپسند و زشت. تنبیه در اصل مجازاتی است، در مورد شخص خاصی تا او را آگاه کند و از خطا دورش بدارد و در نهایت به راستی و راه صواب سوقش دهد؛ لذا بیشتر جنبه‌ی تذکر و اصلاح دارد و انسان را از عمل خلاف و مسیر اشتباه باز می‌دارد. در مکتب تربیتی سایر اهل بیت علیهم‌السلام، نمونه‌های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می‌خورد، که نمایانگر ضرورت تشویق و تنبیه در نگاه آنان است و در حقیقت روش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی از پیامبران و برگزیدگان الهی اقتباس شده است. آنها هم بشارت می‌دادند و هم می‌ترساندند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (الأحزاب، ۴۵). یعنی: ای پیامبر ما تو را برای مردم شاهد فرستادیم که هم به آنان بشارت دهی و هم انذار کنی. تشویق و تنبیه در اسلام جنبه‌ی تربیتی دارد. یعنی برای تربیت بهتر نیروهای انسانی و افزایش کیفیت و کارایی، آنان تشویق یا تنبیه می‌شوند. در قرآن این دو مفهوم در کنار هم ذکر شده است؛ لذا تشویق و تنبیه باید توأم باشند، اگر چه تقدم با تشویق است (نک: سید علیپور، ۱۳۸۳، ش، سراسر مقاله). حضرت زهراء علیها‌السلام نیز اصل تشویق و تنبیه را در واپسین سخنان

خود در بحث توحید، مطرح می‌کند و پس از روشنگری در شناخت خداوند به ما، از اهمیت اطاعت از خداوند و پاداش و عقاب در آخرت سخن به میان می‌آورد تا به ما بیاموزد، اعمال نیک و بد و انجام یا عدم انجام آن بی‌هدف نیست؛ «إِلَّا تَتَّبِعْتَنَا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ أَظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدُ لِبِرِّيَّتِهِ، وَ اعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاثَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۹۸) یعنی: خدا با آفرینش خود حکمت‌اش را ثابت کرد و به مخلوقات‌اش فهماند که باید از او اطاعت کنند. او با خلقت‌اش قدرت خود را آشکار نمود، بندگان‌اش را به پرستش وا داشت و با عزت و اقتدار، آفریدگان‌اش را به بندگی دعوت کرد. پس از این دعوت، او را برای اطاعت‌اش پاداش و ثواب قرار داد و برای نافرمانی‌اش کیفر و عذاب مشخص کرد تا بندگان‌اش را از عذاب خود دور کند و به بهشت خود تشویق نماید.»

۳. برترین معلم بشر، بهترین کتاب آموزشی

یک مدیریت آموزشی کامل و بی‌نقص نیازمند معلمانی است که دارای علم بی‌اندازه و هم‌چنین روش تدریس مناسب برای هر سن و شرایطی از افراد جامعه باشند. حضرت زهراء علیها السلام در دو بخش مجزا، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان معلمی معرفی می‌کند که هدف‌اش سواد آموزی به انسان‌هایی نیست که فاقد سوادند، بلکه ایشان آموزگاری است که در عصر تاریک جاهلیت، دل‌های مرده را به نور حقیقت روشنی بخشید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر خود با افرادی روبه‌رو بود که هر کدام دینی برای

خود برگزیدند و در رأس آن، بت پرستی گرایشی بود که اغلب مردم شبه جزیره‌ی عربستان بدان تمایل داشتند. بر اساس سخنان فاطمی عَلَيْهَا، در این شرایط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با هدایت خود، تحولی عظیم در میان مردم ایجاد کرد که نه فقط خداپرستی، که اخلاق و احکام مورد پذیرش خداوند را نیز در برداشت و نتیجه‌اش دگرزیستی انسان در سایه‌ی آموزش الهی و پرورش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ «فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِى أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا، وَقَامَ فِى النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنقَذَهُمْ مِنَ الْغُوَايَةِ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ» (همان، ص ۹۹) یعنی: مردم را می‌دیدند که چگونه فرقه فرقه شده‌اند؛ هر کدامشان دینی برای خود برگزیده‌اند و به آتشی که به دست خود برافروخته‌اند، رو کرده‌اند. بت‌ها را می‌پرستند و با اینکه خدا را می‌شناسند، انکارش می‌کنند. در چنین شرایطی بود که خداوند، تیرگی‌هایشان را به وجود پدرم، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روشن نمود و نادانی را از دل‌هایشان زدود، پرده‌های ظلمت را از برابر چشمان‌شان کنار زد و دیده‌گان‌شان را روشنی بخشید.

در قرآن کریم نیز خداوند، پیامبرش را نعمتی عظیم برای بشریت معرفی می‌کند و او را سرچشمه‌ی تمام آن چیزهایی می‌داند، که بشر در آموختن به آن محتاج بوده و آموخته است، خداوند بر مؤمنین منت گذاشته تا توسط چنین پیامبری ما را نجات دهد، آیات الهی را برایمان تلاوت کند و مردم را تزکیه و پاک گرداند: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ

مُبِينٍ﴾ (آل عمران، ۱۶۴). از دیگر سو، آموزش درست در کنار مدیریت، نیازمند کتاب آموزشی مناسب است که درست و به جا بوده و نه تنها برای همه‌ی زمان‌ها کاربرد داشته باشد، بلکه بیان‌کننده‌ی هر چیزی باشد که انسان بدان نیازمند است؛ ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (التحل، ۸۹) یعنی: و ما بر تو این قرآن را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمانان هدایت و رحمت و بشارت باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدون کتاب، قدم به عرصه‌ی آموزش نگذاشت و با کتابی کامل از هر آنچه مورد پرسش بشر است، اسلام را در جهان گسترش دادند. این در حالی است که مدیریت آموزشی امروز نیز باید به طور شایسته از مضامین و مفاهیم قرآنی بهره جوید، اما هم چنان که شاهدیم با وجود ایجاد مهدهای تخصصی قرآن و مؤسسات مختلف با رویکرد کلام الهی، بیشتر به بحث حفظ آیات قرآنی اهمیت داده می‌شود تا تفکر و تدبیر در آیات آن و زیستن بر اساس رهنمودهای کتاب خدا که در قرآن نیز بدان سفارش و تأکید شده است. نسل امروز ما آن طور که باید با قرآن مانوس نیست و چون سیستم آموزشی ما به گونه‌ای است که ذهن دانش‌آموز در طول سالیان تدریس، با مضامین و نظریه‌های دیگر نظریه‌پردازان و پژوهشگران پر می‌شود و در تعداد اندکی از دروس به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌شود، هرگز نمی‌توان اثرپذیری مفیدی از این روش دریافت کرد. در حالی که بانوی دو سرا به طور مستقیم به این نکته‌ی مهم اشاره می‌کند که و "این کتاب خدا، قرآن است که به درستی و راستی سخن می‌گوید"، بنابر این هر چه غیر از کلام وحی و سخنان اهل بیت علیهم السلام که معلمان حقیقی کتاب خدا هستند، علمی است بشری که بی‌تردید فاقد خطا و اشتباه نیست. مدیریت

آموزشی حضرت زهراء علیها السلام ما را به سوی حقیقتی فرا می‌خواند که آزمون و خطا نبوده و هدر دادن سرمایه‌ای به نام عمر به واسطه‌ی پیدا کردن راه و مسیر درست زندگی نیست و به صراحت اشاره می‌کند، هر که از قرآن پیروی کند، به بهشت راهنمایی می‌شود و هر که به آیات آن دل بسپارد، به نجات و رستگاری می‌رسد؛ «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالتَّوْرُ السَّاطِعُ وَالصِّیْءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظُلُومِهِ، مُعْتَبِطَةٌ بِهٖ اَشْيَاعُهُ، قَائِدَةٌ اِلَى الرِّضْوَانِ اِتِّبَاعُهُ، مُؤَدَّةٌ اِلَى التَّجَاةِ اِسْتِمَاعُهُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۹۸) یعنی: کتاب خداوند به روشنی مایه‌ی بینش و بصیرت مردم است. قرآن، کتابی است که رازهایش آشکار شده و ظاهر آن جلوه‌گر است. پیروان این کتاب، مورد رشک و حسرت دیگران‌اند. هر که از قرآن پیروی کند، به بهشت راهنمایی می‌شود و هر که به آیات آن دل بسپارد، به نجات و رستگاری می‌رسد.

۴. چگونگی احکام برای درست زیستن

احکام الهی برای چگونگی درست زیستن، از سن تکلیف در اختیار بشر نهاده شده و هدف‌اش آموزش بندگی و اطاعت صحیح ما در مقابل فرامین الهی است. حضرت زهرا علیها السلام پس از یادآوری توحید و نبوت و اهمیت قرآن و نیاز انسان به این سه محور، بخشی از سخنان خود را به احکام الهی و واکاوی و جوب آن برای انسان اختصاص می‌دهد و از این جهت بسیار قابل تأمل و الگوی خوبی برای آموزش به نسل امروز به شمار می‌رود که به حکمت نهاده شدن این تکالیف بر دوش بنده از طرف خداوند اشاره می‌کند.

دانش‌آموزان به ویژه نسل امروز تمایل دارند علت و چرایی مسائل را بدانند

و خصوصاً در مباحث دینی برایشان تفهیم شود که به چه سبب، عملی را انجام می‌دهند. حضرت زهرا علیها السلام دلیل اساسی‌ترین اعمال و احکام الهی از جمله: نماز و زکات و روزه و حج را در کلام خود بر می‌شمارد و می‌فرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَظْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ» (همان). یعنی: خداوند ایمان را برای پاک شدن شما از شرک و نماز را برای دور نگه داشتن شما از تکبر واجب نموده است. او شما را به زکات دستور داده تا از آلودگی‌ها پاک شوید و روزی‌تان زیاد گردد و به روزه فرمان داده تا اخلاص در دل‌هایتان ثابت شود. حج را برای تقویت پایه‌های دین و عدالت را برای نظم و همدلی شما واجب نموده است.

این در حالی است که حتی نگاه به کتاب‌های درسی در مقاطع مختلف آموزشی، نشان می‌دهد که حساسیت لازم برای آموزش احکام به دانش‌آموزان به میزانی که باید، وجود ندارد و شاید تنها در برخی مدارس، احکام توسط مربیان پرورشی آن هم نه به عنوان یک آموزش اصلی و اساسی، در اختیار دانش‌آموزان نهاده می‌شود، در حالی که منابعی مانند خطبه‌ی فدک می‌تواند اثر ارزشمندی در یادگیری و آموزش به نسل امروز ایفا کند.

در ادامه، حضرت زهرا علیها السلام ما را به اطاعت از ائمه‌ی الهی فرا می‌خواند و بر این نکته که عدم فرمان‌برداری از اهل بیت علیهم السلام سبب ایجاد تفرقه و از میان رفتن اتحاد در میان مسلمانان گردید، تأکید می‌کند. با جستجو در میان پرسش‌های دانش‌آموزان و واکاوی در میان شبهات ذهنی آنان نیز می‌توان این مهم را دریافت. مدیریت آموزشی، باید این حقیقت را به نسل امروز انتقال

دهد که مسلمانان درست پس از کوچ پیامبر ﷺ از دیار هستی، و غفلت از غدیر به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند و تمام شبهات ذهنی جوانان نسل امروز ریشه در انتقال ناکافی مفهوم امامت و نقش اساسی آن در زندگی و ایجاد همدلی و اتحاد در میان مردم دارد («وَ طَاعَتْنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَ اِمَامَتْنَا اَمَانًا لِلْفُرْقَةِ» (همان) یعنی: خداوند برای سامان یافتن جامعه، اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را بر همه واجب نمود و برای در امان ماندن از تفرقه ما را پیشوا و امام قرار داده است. در غیر این صورت است که همدلی از میان می‌رود و هر کس به راهی می‌رود که خود می‌خواهد. با نگاه به جهان کنونی به سادگی می‌توان دریافت که رنگارنگی اعتقادی در جهان، ریشه در عدم همدلی بشریت و اطاعت از امامانی بود که توسط خداوند برگزیده شدند.

در سطور پایانی این بخش، مدیریت آموزشی حضرت زهرا علیها السلام در کم‌تر از چند سطر، احکام الهی واجب بر انسان را در این خطبه به ما می‌آموزد و از جهاد، امر به معروف، ارتباط با خویشاوندان، عدم کم‌فروشی در معاملات و نهی از شراب‌خواری، به طور مشخص نام می‌برد و به حکمت‌های انجام احکام الهی نیز اشاره می‌کند که هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد، جوانان نسل امروز همواره دوست دارند حکمت و دلیل کارها را به ویژه در اعمال عبادی بدانند و آشنایی و مطالعه و به‌کارگیری چنین منابعی می‌تواند آنان را به تأمل و شوق و انگیزه‌ی آموختن را در وجودشان بارور سازد («وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْاِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْاَجْرِ وَ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَايَةَ مِنَ السَّخَطِ، وَ صَلَةَ الْاَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حِفْنًا لِلِدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالْتَدْرِ تَعْرِيزًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَحْسِ».

وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقُدْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَزَكِّيَ السَّرْفَةِ اِجْبَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَّمَ اللهُ الشَّرْكَ اِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اطِيعُوا اللهَ فِيمَا اَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ اِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (همان) یعنی: خداوند، جهاد را وسیله‌ی عزت و سربلندی اسلام کرده است و شما را به صبر فرمان داده تا به پاداش الهی دست یابید. او امر به معروف را واجب نموده تا جامعه صالح شود و برای اینکه از خشم‌اش در امان بمانید، نیکی به پدر و مادر را واجب نموده است. خداوند، پیوند و ارتباط با خویشاوندان را مایه‌ی طول عمر و زیادی فرزندان قرار داده است و به قصاص امر فرموده تا حرمت خون‌ها نگه داشته شود. او، وفای به نذر را، راهی برای آموزش خود قرار داده و به رعایت انصاف و عدالت در معاملات دستور داده تا کسی کم‌فروشی نکند. او شما را برای در امان ماندن از پلیدی‌ها از شراب‌خواری نهی فرموده است. خداوند، نسبت ناروا دادن به زنان پاک‌دامن را بر شما حرام کرده تا گرفتار نفرین نشوید و برای دوری از آلودگی، شما را از دزدی بازداشته و شرک را بر شما حرام نموده تا فقط او را پروردگار خود بدانید. پس آن‌گونه که شایسته‌ی او است، تقوا پیشه کنید. مبادا در حالی که مسلمان نیستید از دنیا بروید. در امر و نهی الهی از او پیروی کنید و بدانید که از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند.

با توجه به اینکه فراگرد آموزش و پرورش و هم‌چنین مدیریت آموزشی با موجود پیچیده‌ای مانند انسان سرو کار دارد، در صورتی می‌تواند ادعای اکمال داشته باشد که رشد همه‌جانبه‌ی انسان در آن مطرح باشد و این یعنی هم توجه به دنیا و هم آخرت. حضرت زهرا علیها السلام در بخش اشاره به احکام الهی، به

بسیست محور اساسی از اوامر و نواهی الهی اشاره می‌کنند و پس از آن، علت و سبب و به عبارت بهتر حکمت انجام این امور را نیز بیان نموده و با بیان روشن خویش به نسل امروز می‌آموزند که خداوند هیچ عملی را بی حکمت به انسان امر ننموده و از هیچ کار ناشایستی بی دلیل نهی نفرموده است. اما چالش بزرگ اینجاست که از سویی شیوه‌ی آموزش درستی برای انتقال این منبع ارزشمند به نسل جدید وجود ندارد و از سوی دیگر ذهن دانش‌آموزان ما در طول تحصیل بیشتر با مطالب غیر اعتقادی درگیر است و در نتیجه نوع نگاه دانش‌آموزان به این چنین مسائل اعتقادی مانند خطبه‌ی فدک، حرف‌هایی که نه‌نخ‌نما است که به زمان خاصی از تاریخ مربوط می‌شود، در حالی که فقط با نگاه به همین بخش از سخنان فاطمی می‌توان دریافت، که احکام و سایر مطالب اعتقادی، مجموعه‌ای از حقایقی است که در طول تاریخ از نظر زمانی فاقد ارزش نشده و یک انسان معتقد تا روز قیامت ملزم به آموزش و عمل به فرامین الهی است. حضرت زهرا علیها السلام با بیان اثر و حکمت احکام الهی با زبانی ساده به نسل امروز می‌آموزند که هر عملی چه تغییر و اثری در زندگی ایجاد می‌کند و این فرامین در جهت اصلاح جامعه است و نکته‌ی مهم اینجا است که اصلاح جامعه از مدرسه یا همان مدیریت آموزشی آغاز می‌شود. آموزش و پرورش به صورت آشکار یا پنهان و در قالب مدیریت آموزشی، وظایف و کارکردهای مختلفی در جامعه مانند: انتقال فرهنگ (فرهنگ‌پذیری)، پرورش اجتماعی (جامعه‌پذیری)، بر عهده دارد، که دو مفهوم تغییر و رشد شخصیت در دانش‌آموزان از جمله اهداف مهم آن به شمار می‌رود.

۵. معرفی دو معلم کامل در کنار هم

پیش‌تر از این حضرت زهرا علیها السلام ، وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله را در کنار کتاب آسمانی قرآن معرفی کرد، اما در این قسمت، پیامبر صلی الله علیه و آله را در کنار خود برای معرفی قرار می‌دهد، که این خود گواهی است بر حقانیت کلام ایشان، چرا که تأکید می‌فرماید که انتهای سخنم یکی است و در آن هیچ تناقضی وجود ندارد:

«ثم قالت: أَيُّهَا النَّاسُ! اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَعْرِزِيِّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ. فَبَلَّغِ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالْتَذَارَةِ، مَائِلًا عَنِ مَذْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجُّهْمُ، اخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجُفُّ الْأَضْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ لَوُوا الدُّبْحَتَى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَتَمْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ» (همان، ص ۱۰۰) یعنی: ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا می‌گویم، در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنج‌های شما بر او گران آمده و دل‌سوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است. پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسرعموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم. رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده،

شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بت‌ها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان شکست خورده و از میدان گریختند. او که مانند صبح روشن بود، با روشنایی خود، تیرگی‌های شب را شکافت و از گوهر ناب حقیقت پرده برداشت. او که سرپرست و نگهبان دین بود، به سخن درآمد و زبان شیاطین گنگ و لال شد. منافقان پست و بی‌اصل به نابودی کشیده شدند و پیمان‌های کفر و دشمنی از هم گسست. در نتیجه شما با اهل بیت پیامبر ﷺ به ذکر توحید لب گشودید و آنان همان کسانی هستند که چهره‌هایشان روشن و درخشان است و پرهیزکارانی هستند که شکم خود را از دنیا خالی نگه می‌دارند.

این بیانات در گام نخست نشان‌دهنده‌ی علم بالای فاطمی و آشکارکننده‌ی این مهم به ما است. میزان درک و شناخت ما نسبت به حضرت زهرا ﷺ بسیار محدود است و بیشتر شاید ایشان را به عنوان بانویی پاک‌دامن و نجیبه می‌شناسیم که دارای درجات والای بندگی و عبادت است. البته که ایشان دارای چنین ویژگی‌هایی بوده‌اند اما ایراد همین خطابه از زبان ایشان خود گواهی است بر علم سرشار این بانو، که از محورهای مختلف و در آن جامعه، و با چنین شرایطی عالمانه لب به سخن می‌گشاید و خود را از جهت علمی در کنار پیامبر ﷺ قرار می‌دهد. در بسیاری از روایات ما "محدثه"، لقبی است که در شأن ایشان بیان شده است و فرشتگان با ایشان درباره‌ی حقایق سخن می‌گفتند و ایشان املا می‌نمود و حضرت علی ﷺ می‌نوشت. امام علی ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

«... وَ فَاطِمَةٌ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۷۲)

در باب مقام علمی ایشان همین بس که پیامبر ﷺ او را به عنوان دروازه‌ی

علم معرفی کرد و فرمود: خداوند متعال علی و همسر و فرزندان اش را حجت مردم قرار داده و آنان دروازه‌ی علم و آگاهی در میان امت هستند، هر کس به آنان تمسک نماید، به راه راست هدایت یافته است (بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۱، ص ۷۸).

از این بیانات چند نکته‌ی بسیار مهم آموزشی قابل برداشت است. نخست اینکه مدیریت آموزشی و روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام همان مدیریت آموزشی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در امتداد آموزه‌های ایشان است، چرا که بانوی دو سرا، از نام ایشان به عنوان گواه کلام خود بهره می‌جوید و با بیان نسب خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مردم را متوجه اصل مهم غفلت انسان از حقیقت می‌کند، تا مردمی که آموزه‌های اعتقادی و به بیان بهتر، حقیقت را در زندگی به دست فراموشی سپرده‌اند، از خواب غفلت بیدار شوند، دوم اینکه: ایشان جمله‌ای تکان‌دهنده در این بخش دارد که فقط خطاب به مردمان روزگار خود نیست؛ بلکه به تمامی نسل ه است: «من فاطمه هستم». «... ثُمَّ قَالَتْ أَيُّهَا النَّاسُ اْعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۰۰).

این عبارت نشان از غربت بی‌انتهای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد که تا این اندازه از حقیقت دورند و نسل امروز نیز بیش و بیشتر از این با درک و مقام حضرت زهرا علیها السلام نا آشنا است و درک ایشان به اندازه‌ای امکان‌پذیر نیست که در روایات به اندازه‌ی شب قدر غیر ممکن تلقی شده است، هم‌چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که فاطمه را آن‌گونه که هست درک کند، شب قدر را درک کرده است.» (کوفی، ۱۳۹۱ ش، ص ۵۸۱).

۶. توصیف دوران جاهلیت

برای ورود به این بخش و تفهیم نقش آموزشی آن، ابتدا باید به درک درستی از مفهوم جاهلیت رسید. جاهلیت، در اغلب لغت‌نامه‌های فارسی به معنای ندانستن و نا آگاهی و به زمان پیش از اسلام گفته می‌شود، که نادانان در آن بسیار بودند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق. ج ۱، ص ۲۰). مردم پیش از پیامبر ﷺ با نادانی زندگی می‌کردند و شرح اعمال آنان در زمان جاهلیت خود گواه بر این نکته است که ظهور پیامبر ﷺ، همه‌ی دانستن بود در میان جاهلیت‌ها و رسیدن از هیچ به همه چیز؛ «و كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقِّقَةَ الشَّرَابِ، وَ نَهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذِلَّةَ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ بَعْدَ اللَّيْلِ وَ اللَّيْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَىٰ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَ ذُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ. كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۰۰). یعنی: شما بر لبه‌ی پرتگاه آتش جهنم بودید. آن قدر پرتگاه و ضعیف بودید که هم‌چون نوشیدن آب، هر تجاوزگری می‌توانست شما را به راحتی از بین ببرد. مانند صیدی بودید که هر صیادی در شکارتان طمع می‌کرد. مانند شراره‌ای بودید که هر سوذجویی می‌توانست از شما برای خود آتشی بی‌فروزد. شما در نهایت ذلت و پامال قدرت‌ها بودید. آب گندیده و کثیف می‌آشامیدید و پوست حیوانات را می‌خوردید؛ دلیل بودید. همه‌ی شما را رانده بودند. همیشه می‌ترسیدند که اطرافیان‌تان دست تجاوز به سوی شما دراز کنند و شما را بربایند. پس از این همه خواری و پستی خداوند بلند مرتبه شما را به دست پدرم از آن وضعیت نجات داد.

در طی این سخنان، بانوی کوثر، از یکی از جدیدترین مسائل روان‌شناسی بهره می‌برد و آن اینکه مردم را نه با یکدیگر که با گذشته‌ی خودشان قیاس می‌کند. به یادشان می‌آورد که شما در دوران جاهلیت چه بودید و چه شدید و پیامبر صلی الله علیه و آله بود که شما را از منجلاب جاهلیت بیرون آورد و به زیور دانستن آراست. این مسئله به طرز قابل توجهی در روان‌شناسی امروز مطرح می‌شود که به جای مقایسه با دیگران، افراد را با گذشته‌ی خودشان قیاس کنید، تا در قدم نخست متوجه کاستی‌ها شده و در گام بعدی بتوانند نقاط ضعف خود را بازیابی کنند و در مسیر بهتر شدن قدم بردارند. در بسیاری از نظریات مرتبط با رشد و به ویژه در میان پرفروش‌ترین کتاب‌های روان‌شناسی جهان توسط افراد موفق نیز به این موضوع تأکید می‌شود که تحت هیچ شرایطی خود را با دیگران مقایسه نکنید و از این روش هرگز نمی‌توانید برای تغییر طرف مقابل خود، بهره برده و همواره خود را با اهدافتان مقایسه کنید، که یکی از دلایل توقف روان‌شناسی مقایسه است (را بینز، ۱۳۹۷). این مقایسه مطرح شده توسط حضرت زهرا علیها السلام اثر بسیار مثبت و مهم دیگری نیز دارد و آنکه مردم را متوجه این مهم می‌کند که دریابند تغییر در وجود آنان به واسطه‌ی رهنمودهای معلمی الهی، کامل و دل‌سوز به نام پیامبر صلی الله علیه و آله، در طول این مدت کوتاه اتفاق افتاده و کسی جز ایشان نمی‌توانست این‌گونه در برابر جاهلیت‌ها و ظلم‌ها بایستد تا جایی که حتی از سوی خداوند آیه نازل شد: ﴿لَعَلَّكَ بَا خِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء، ۳) یعنی: تردید نیست که تو (پیامبر) از شدت دل‌سوزی برای قومت به هلاکت برسی. اما با دقت در مفهوم جاهلیت و بررسی احادیث و روایات وارده از آن دوران، می‌توان دریافت که با زیر پا نهادن حق و ولایت امیر

المومنین علیهم‌السلام، مردم به جاهلیتی بدتر از زمان جاهلیت قبل از اسلام مبتلا شدند. چرا که به نام اسلام، اسلام دیگری ساختند و نسل امروز ما باید بداند که هر جایی امام نیست، مفهوم جهل در واقعی‌ترین شکل خود بروز می‌کند، هم چنان که امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود: «زمانی که پیامبر خدا از دنیا رفت، گروهی از اصحاب آن حضرت به دوران جاهلیت پیشین بازگشتند و سر از آیین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برداشته و بی‌دین شدند. آنان بر اثر کژروی و حرکت در بیراهه‌ها به هلاکت افتادند. بر اندیشه‌های نادرست و منحرف متکی شدند. بر خلاف دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به آنان فرموده بود، از اهل بیت آن جناب پیروی کنند، از اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بریدند و به دیگران پیوستند و از سبب و ریسمانی که فرمان یافته بودند که با آن دوستی بورزند، دوری گزیدند». (سیدرضی، ۱۳۷۸، ق، ص ۱۵۰).

۷. معرفی برترین معلم (هدف اصلی بانوی دو سرا از ایراد خطابه)

پس از بیان این موارد بسیار کامل و جامع از بیان بانوی کوثر و یادآوری تاریخ و آنچه بر همگان گذشته است، ایشان در این مرحله وارد فاز اساسی سخن خود و اصلی‌ترین حقیقتی می‌شوند که قرار است به همه بیاموزند. این مقدمه‌ی نسبتاً طولانی و بیان یادآوری و آموزش مجدد مسائل اصیل اعتقادی هم چون توحید، نبوت، احکام و ... و ورود ماهرانه و معلم‌گونه برای مردم ناآگاهی که برایشان تفاوت نمی‌کند که چه کسی زمامدار آنان باشد، از بانوی دو سرا مدیری شایسته می‌سازد که به عنوان نخستین مبلغ به دفاع از مظلومیت و حق غصب شده‌ی امیرالمومنین علیه‌السلام پردازد و در گام نخست از بیان فضایی آغاز کند که تا همین چندی پیش بارها و بارها از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده بود، فضایی که قرار است

با قانون منع تدوین حدیث تا صد سال آینده به دست فراموشی سپرده شود. بانو در اینجا به این نکته‌ای تصریح می‌فرماید که زمانی که امیرالمومنین علیه السلام در مسیر ابلاغ و حفظ رسالت محمدی صلی الله علیه و آله قدم بر می‌داشت، هیچ‌یک از شما در اندیشه‌ی چنین رفتاری نبودید، در رفاه و آسایش به زندگی‌تان مشغول بودید و دل خوش و عافیت طلب روزگار خود را می‌گذرانیدید؛ «أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِيءُ حَتَّى يَبْطَأَ جِنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسِنْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمِراً نَاصِحاً مُجِدِّداً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَئِيمٍ. وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَاكْفُوهَ آمَنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۰۰). یعنی: هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهایی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاش‌گر، و کوشش‌کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقب‌گرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

نسل امروز باید دریابد که با وجود معلمان متفاوت، آموزش متفاوت و در

نهایت نتیجه و ثمره نیز متفاوت می‌شود، اینجا که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به معرفی امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌پردازند، مدت زمان زیادی از شهادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نگذشته و مردم آن زمان بسیاری رخداده‌ها و جان‌فدایی‌های حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را با چشم سر، در راه اسلام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دیده بودند، اما باز هم بانوی دو س را فراموشی عمیق و بی‌تفاوتی را در فکر و رفتار مردم زمانه‌ی خویش می‌دید و از همین رو در مقام یادآوری تلاش کرد تا در اجتماعی این‌گونه، به یاد همگان بیاورند که امام‌شان که بود! اینک در نظر بگیریم اگر ما این مسائل را به نسل امروز منتقل نکنیم و جوانان ما از حقیقت مطلع نشوند، چه تفاوتی در مسیر تربیتی آنان به وجود خواهد آمد و در این دنیایی که بسیاری از اعمال ناشایست به نام اسلام در فضاهای مختلف مجازی و اجتماعی در حال انتشار است، زمینه‌ساز چه خطراتی برای نسل امروز و آینده خواهد بود.

۸. آموزش دفاع از حقیقت توسط نخستین مدافع

بانوی دو سرا پس از یادآوری فضائل امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از غضب ولایت معاندان شکوه می‌کنند، تا هم نسل آن روز، هم گذشته و هم آینده بفهمند، دختر رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ برای بازپس‌گیری تکه‌ای زمین به مسجد نیامده، بلکه آمده است تا تمام نسل را از خواب غفلت بیدار کند که حقیقت چیست و از آن کیست؟ ایشان به تک‌تک ویژگی‌های مردم زمانه‌ی خود اشاره می‌کند و به سکوت نابجایشان و همراهی‌شان با شیطان و آتش فتنه که از درون وجودها را شعله‌ور ساخته است. «فَلَمَّا اخْتَارَ اللهُ لِنبِيِّهِ دَارَ اَنْبِيَاءِهِ وَ مَأْوَى اَصْفِيَاءِهِ، ظَهَرَ فَيْكُمُ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلُ جَلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِيْنَ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْاَقْلِيْنَ،

وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِيْنَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرِزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِيْنَ، وَ لَلْغَرَّةَ فِيهِ مُلَاحِظِيْنَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِلِيْكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَسْرِيْبِكُمْ هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيْبٌ، وَ الْكَلْمُ رَحِيْبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُوْلُ لَمَّا يُقْبَرُ، اِنْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ. فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ اَتَى تُؤْفَكُوْنَ». (همان) یعنی: خداوند سرای آخرت را برای پیامبرش برگزید. همان جایی که سرای پیامبران و جایگاه بندگان برگزیده‌ی خدا است. با رفتن او، نفاق و دورویی مانند بوته‌های خار، در میان شما ظاهر گشت و دین که لباسی زیبا بود، کهنه و فرسوده شد. آن گمراهانی که ساکت بودند و چیزی اظهار نمی‌کردند، یک باره به سخن آمدند و کسانی که پست‌ترین انسان‌ها بودند و در گمنامی به سر می‌بردند، ناگهان آشکار شدند. اهل باطل مانند شتری که نعره می‌کشد و دم می‌جنباند، به هیاهو پرداختند و در اجتماع شما جولان دادند. شیطان، از مخفی‌گاه خود سر برآورد و شما را به طرف خود دعوت کرد، او دید شما کسانی هستید که به دعوتش پاسخ مثبت می‌دهید و به فریبش، چشم دوخته‌اید، پس شما را در برابر حق برانگیخت و دید به آسانی بر می‌خیزید. او آتش فتنه را در درونتان شعله‌ور کرد و دید که شما، در راه مخالفت با حق، به راحتی رضایت خدا را نادیده می‌گیرید. آن جایگاهی را که مربوط به شما نبود، به نام خود مُمهرزدید، مانند کسی که غاصبانه شتر دیگران را به نام خود می‌زند و منفعت‌هایی را که برای دیگران بود ظالمانه برای خود برداشتید، مانند کسی که غاصبانه از چشمه‌ی آب دیگران استفاده می‌کند. اینها همه در حالی بود که از عهد و پیمان‌تان با پیامبر چیزی نگذشته بود؛ و داغ

رحلت او همه جا را فرا گرفته بود. زخم دل‌های داغ‌دیده هنوز التیام نیافته بود و رسول خدا، هنوز به خاک سپرده نشده بود. به سرعت به دنبال نقشه‌های فریب‌کارانه خود رفتید و وانمود کردید که می‌ترسید، مسلمانان در فتنه بیفتند. پیمان شکنان بدانند، این خودشان هستند که در فتنه افتاده‌اند، آنان کافرند و آتش جهنم کافران را در بر می‌گیرد. این رفتار از شما بعید است! چرا این‌گونه عمل می‌کنید؟ روی خود را از حقیقت برگردانده‌اید؛ به کجا رو کرده‌اید؟»

در ادامه حضرت زهرا علیها السلام کلام خود را با معرفی بیشتر قرآن، منور می‌کند و با اینکه پیش‌تر هم از آن سخن گفته بودند اما باز هم تاکید می‌کند که مخاطب‌شان افرادی هستند که به قرآن پشت کردند. «وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنٌ أَظْهَرَ كُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَانِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعْبَتَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعِيرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئس للظالمين بَدَلًا» (همان) یعنی: این در حالی است که کتاب خدا، در میان شما است؛ قرآن کتابی است که کلامش آشکار و دستورش روشن است. نشانه‌های حقیقت در آن می‌درخشد. باطن قرآن سپید و روشن و فرمان‌های آن واضح و آشکار است. اما شما به قرآن پشت کرده‌اید. آیا می‌خواهید به قرآن بی‌اعتنایی کنید؟ آیا می‌خواهید با چیزی غیر از قرآن، حقیقت را اثبات کنید؟ چه بد است که قرآن را با چیز دیگری عوض کرده‌اید.

مدیریت آموزشی فاطمی علیها السلام با کلام الهی پیش می‌رود و چه نیکو و بجا است از خود پیرسیم، جایگاه قرآن در آموزش و پرورش کنونی ما چگونه است؟ آیا این‌گونه نیست که قرآن فقط در روخوانی و تجوید و در مدارس خاص تدریس می‌شود و عموم دانش‌آموزان علاقه‌ای به این درس ندارند؟ حضرت زهرا علیها السلام

قرآن را مایه‌ی روشنی و آشکاری معرفی می‌کند و حقیقت را به وسیله‌ی آن قابل اثبات می‌داند اما فاصله‌ی نسل امروز ما با این کتاب و عدم ایجاد علاقه به تدریس آن و وجود واحدهای اجباری برای گذراندن مرحله‌ای به مرحله‌ی بعد، شکافی عمیق میان نسل ما و کلام خدا ایجاد کرده است. سپس نیز حضرت زهرا علیها السلام با مرور چنین حقایقی به نسل امروز ما، تصویری درست از شخصیت و ویژگی‌های مردم آن روزگار ارائه می‌دهد و ذهن خواننده را به سمت تحلیل فردی تشویق می‌کند تا در نهایت بتواند به تشخیص و تحلیل درستی از حقیقت برسند. حضرت زهرا علیها السلام با شجاعت تمام در مسیر دفاع از حقیقت تمام هستی منهای امیر المومنین و اولاد طاهرین شان علیهم السلام را زیان‌کار، ظالم و خیانت‌کار می‌خواند و اسلام واقعی را از آن کسانی نمی‌داند که قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کردند و راه دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را برگزیدند.

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى زَيْتٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَقَدْتَهَا، وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًّا فِي اِزْتِغَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الصَّرَاءِ، وَ نَضِيرٌ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمَدَى، وَ وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحِشَاءِ» (همان) یعنی: هر کس غیر از اسلام، دین دیگری برای خود انتخاب کند، او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیان‌کاران است. شما در ظلم و خیانت، هیچ تأخیری نکردید و اگر هم اندکی صبر نمودید، فقط به اندازه‌ای بود که پایه‌های حکومت‌تان تثبیت شود. می‌خواستید مرکب کودتا رم نکنند و افسار حکومت در دستتان قرار گیرد. پس از این آتش فتنه را به پا کردید و آن را شعله‌ور نمودید، به

فریاد شیطان فریب‌کار پاسخ دادید و تصمیم گرفتید، نور درخشنده‌ی دین خدا را خاموش کنید؛ و سنت‌های پیامبر ﷺ برگزیده‌ی خدا را رها کنید. اینک نیز وانمود می‌کنید به فکر مصلحت اسلام هستید، اما در واقع هدفتان، قدرت و ری است است و می‌خواهید با اهل بیت پیامبر ﷺ دشمنی کنید. با اهل بیت پیامبر و فرزندان او، با فریب‌کاری و کینه‌توزی رفتار می‌کنید. ظلم و ستمی که از شما به ما می‌رسد، مانند زخم شمشیر، دردناک و مانند جراحت نیزه، جگرسوز است.

یکی از ویژگی‌های یک مدیریت آموزشی متعالی، نشان دادن مسیر و میدان دادن به فرد است تا بتواند با بهره‌گیری از تحلیل و تفکر انتقادی، به نتیجه‌ی درستی برسد. در طبقه‌بندی آموزش و پرورش صحیح در همه جای جهان چند اصل مهم وجود دارد، که در آموزش و پرورش مبتنی بر مدیریت درست، فرد باید بتواند مستقلاً بیاندیشد و با اعتماد به نفس عمل کند و معلم، تنها اطلاعات لازم را در اختیار فرد قرار می‌دهد و فرد خودش مسیر را پیدا خواهد کرد. بنابراین با بهره‌گیری از این روش فاطمی ﷺ همه‌ی نسل‌ها به درک درستی از حقایق این مقطع از تاریخ و گذشته‌ی آن می‌رسند و می‌توانند بدون تزریق و تقلید مفاهیم، خودشان به حقیقت رسیده و مسیر صحیح را انتخاب کنند و در حقیقت ایشان در طول دقایقی، بزرگ‌ترین و کامل‌ترین درس بشریت را آموختند تا امت پیامبر ﷺ بدانند حقیقت چیست و چگونه باید از آن دفاع کرد و به نسل‌های آینده رسانند.

پس از این سخنان در آخرین مرحله حضرت زهرا ﷺ از غضب فدک شکایت می‌کند و مخاطبش، بر خلاف آیات قرآن و با کمک از جعل حدیث از پیامبر ﷺ، درباره‌ی ارث به او پاسخ می‌دهد، اما بانوی دوسرا با آیات قرآن جواب‌های کوبنده‌ای به او داده و می‌فرمایند: «يَا بَنِي أَبِي قُحَافَةَ! أَلَيْسَ كِتَابُ اللَّهِ تَرْتُ أَبَاكَ

وَلَا ارْتَأَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا، أَفَعَلَى عَمَدٍ تَرْكُومُ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾ (همان) یعنی: ای ابا بکر! آیا در کتاب خدا نوشته شده است که تو می‌توانی از پدرت ارث ببری ولی من نمی‌توانم؟! به راستی که چیز عجیب و جدیدی از پیش خود آورده‌ای. آیا عمداً کتاب خدا را رها کرده‌اید و آن را پشت سر انداخته‌اید؟! قرآن آشکارا می‌گوید: پیامبران از خود ارث می‌گذارند، آنجا که می‌فرماید: «داوود از سلیمان ارث برد» (النمل، ۱۶).

سبک پریشی حضرت زهرا علیها السلام در این قسمت بسیار تأثیرگذار است و مخاطب را به فکر فرو می‌برد، چرا که حقیقت آیات قرآن در این موضوع به اندازه‌ای روشن است که ایشان به صورت سوالی به دفاع از کلام خود می‌پردازد. امروزه در فضای مجازی اسناد جعلی بسیاری به خصوص در مناسبت‌ها در اختیار جوانان قرار می‌گیرد و از وظایف مدیریت آموزشی این است که بستری فراهم کند که دانش آموزان قدرت تشخیص منابع معتبر از غیر معتبر را داشته باشند و یا از افراد متخصص و آگاه جوینا شوند.

هدف مدیریت آموزشی ایشان از بیان چنین مقدمه‌ای طولانی این است که مردم دریابند، نتیجه‌ی زندگی با زیرپا نهادن حق ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چه می‌شود و ایشان حتی سکوت انصار را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد، چرا که عده‌ی بسیاری شاهد بسیاری از رخدادها از ابتدای اسلام تا آن زمان بودند اما سکوت کرده و از حقیقت دفاع نکردند. از این روست که می‌توان به جاسخن گفتن و چگونگی دفاع از حقیقت را آن هم در شرایط دشوار آن زمان، از بانوی دو عالم آموخت و این سبک از مدیریت آموزشی را به عنوان الگویی مناسب برای آموزش نسل امروز برگزید. گاه نسل امروز ما نسبت‌های ناروا به حضرت علی علیه السلام

و بانوی دو عالم درباره‌ی دفاع از حق‌شان را باور می‌کند، در حالی که نمونه‌های گوناگونی مانند همین خطابه‌ی فدک و دیگر سخنرانی‌ها در اجتماع زمانه‌ی خودشان، گواه محکمی در دفاع آنان از حق و حقیقت است.

۹. نتیجه‌گیری

خطابه‌ی فدک به عنوان یگانه سخنرانی عمومی فاطمی علیها السلام در اجتماع زمانه‌ی خویش، با برخورداری از روش سخنرانی و استفاده از شیوه‌های مناسب آموزشی و روان‌شناختی و اتصال به کلام وحی و علم الهی، یک مدیریت آموزشی منحصر به فرد در زمانه‌ی خویش به شمار می‌رود، که از زبان دخت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شد و با یادآوری یک دوره‌ی مختصر از تاریخ، مردم نه تنها زمانه‌ی خود را متوجه حقایق ساخت بلکه انسان سرگشته و حیرت‌زده‌ی نسل امروز را به درنگ و اومی‌دارد و او را روشن می‌کند که برای درست زیستن باید خداوند و حجت‌های الهی او را بشناسد و به جای آزمایش راه‌های متفاوت و از بین رفتن سرمایه‌ای به نام زندگی در این میان، از مسیر قرآن و عترت گام بردارد و با مدیریت آموزشی اهل بیت علیهم السلام زندگی را سپری کند تا هم خود بداند و دریابد و هم نسل بعد را از آموزش صحیح سرشار سازد. روش فاطمی، بهره‌گیری از آیات قرآن برای استدلال و اثبات حقانیت کلام‌شان است، تا همه‌ی نسل‌ها بدانند خداوند قرآن را برای رویش سواد زندگی، در وجود انسان نازل کرد و معلمانی کامل به نام چهارده معصوم علیهم السلام فرستاد تا آموزش خویش را برای هر زمانه‌ای تکمیل سازد. بنابراین ایشان، با چینی‌بی نظیر از موضوعات مختلف در طول مدت کوتاه، مبدع یک سبک از مدیریت آموزشی تأثیرگذار است که از توحید، پیامبرشناسی، امام‌شناسی،

قرآن‌شناسی و احکام به عنوان منابع آموزشی الهی در یک مجموعه‌ی مدون، برای همه‌ی نسل‌ها سخن می‌گویند و تشویق و تنبیه و نتیجه‌ی اعمال انسان در دنیا و آخرت را یادآور می‌شود که هر کدام از این مجموعه‌ی دروس، الگوی واقعی، کامل و متعالی برای یک انسان، به جای پر کردن ذهن او از مطالب گوناگون و باورهای اعتقادی مختلف است. با تفکر در بند بند این خطبه با نگاه مدیریت آموزشی می‌توان دریافت که چگونه با بیان حقیقت و چیدمان تاریخی درست و یادآوری و تذکر که همان روش تمامی سفیران الهی است، می‌توان نسل امروز را هم، به تحلیل تشویق نمود و به حقیقت رساند؛ تا جایی که هم حقیقت را آن‌طور که بوده دریابد و هم بتواند شجاعت و جسارت انتقال به دیگران را داشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ایران نژاد پاریزی، مهدی، اصول و مبانی مدیریت (در جهان معاصر)، تهران: نشر مدیران، ۱۳۸۵ ش.
۳. اصلی پور، محمد، مدیریت و رهبری با سیری در نهج البلاغه، تهران: شورا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، قم: اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. آلوسی، محمود، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، تحقیق: محمد بهجة الأثری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۶. براهنی، محمد تقی، زمینه‌ی روان‌شناسی ارنست هیلینگارد، تهران: رشد، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.

۷. بحرانی اصفهانی، عبدالله، *عوامل العلوم و المعارف*، تحقیق: محمدباقر موحدی ابطحی، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، چاپ اول، تهران: ذکر، ۱۳۸۰ ش.
۹. رایبیز، آنتونی، *به سوی کامیابی*، مترجم: مهدی مجردزاده کرمانی، تهران: راه بین، ۱۳۹۷ ش.
۱۰. سید علیپور، سید خلیل، *نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی*، مجله‌ی پژوهش‌گر، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۱۱. سیف، علی اکبر، *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*، چاپ پنجم، تهران: آگاه، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. سید رضی، نهج‌البلاغه، به کوشش: صبحی صالح، بیروت: ۱۳۷۸ ق.
۱۳. شریعتمداری، علی، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، چاپ سی و ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. شعاری نژاد، علی اکبر، *فلسفه آموزش و پرورش*، چاپ نهم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، مترجم: علی اکبر میرزایی، قم: علویون، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، مصحح: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. عباسی، عفت و رسولی، سعیده، *مدیریت مشارکتی در سازمان‌های آموزشی*

- و مولفه‌های آن از دیدگاه اسلام، نشریه‌ی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، پاییز و زمستان، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۲ ش.
۱۹. علاقبند، علی، مدیریت آموزشی، چاپ بیست و یکم، ویراست پنجم، تهران: نشر روان، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. همو، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ویراست پنجم، تهران: نشر روان، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. همو، مقدمات مدیریت آموزشی، چاپ چهل و هفتم، تهران، نشر روان، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. کرمی فریدنی، علی، منشور دادخواهی، چاپ دوم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، التفسیر، مترجمان: حکیمه حاجی علی اکبر، معصومه آبدالله، قم: دلیل ما، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مشرف جوادی، محمد حسین، اصول و متون مدیریت اسلام، چاپ اول، تهران: نور علم، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. میرکمالی، سید محمد، رهبری و مدیریت آموزشی، چاپ هفدهم، تهران: بسطرون، ۱۳۸۶ ش.



پرو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرسنگی
رتال جامع علوم انسانی